

متن مستند مقتل و اشعار شب اول محرم ۹۲. هیات میثاق با شهدا دانشگاه امام صادق علیه السلام.

غزل مرثیه:

آقا سلام ماه محرم شروع شد

بازاین چه شورش است وچه ماتم شروع شد

آقا سلام کاسه اشکی به من دهید

ماه گدایی من و چشمم شروع شد

یادم نرفته است نگاه شما به ما

از گریه های ماه محرم شروع شد

هاجر به پای روضه اصغر نشسته بود

تا اینکه جوشش دل زمزم شروع شد

آقا سلام نیت گریه نموده ایم

شیرین ترین عبادت ما هم شروع شد

توسل به حضرت زهرا در شب اول محرم ۹۲:

شاعر: عباس احمدی

سرنوشت آن گل پرپر نمی دانم چه شد

شرح این خون گریه را آخر نمی دانم چه شد

احترامش را پدر خیلی سفارش کرده بود

آن سفارش های پیغمبر نمی دانم چه شد
روزگاری مرغ عشقی این حوالی خانه داشت
آشپاش سوخت، بال و پر نمی دانم چه شد
چند نامرد آمدند و هیزمی آماده شد
در که کلا" سوخت، میخ در نمی دانم چه شد
بعد از آن سیلی که چون طوفان به رخسارش وزید
حالت گلبرگ نیلوفر نمی دانم چه شد
شد فدک سیراب از سرچشمه پهلوی او
لاله های رسته بر بستر نمی دانم چه شد
موی مادر را که می دانم شده از غم سپید
گیسوی بی شانه دختر نمی دانم چه شد
دستهای شوهرش زخمی شد از ردّ طناب
ریسمان بر گردن حیدر نمی دانم چه شد
...هیچ کس قبر شریفش را نمی داند کجاست
آخر این قصه را دیگر نمی دانم چه شد

شباهت های مسلم بن عقیل با حضرت سید الشهداء (در محرم ۹۰ تنها شدن مسلم بن عقیل و وجه شباهت آن با امام حسین علیه السلام بیان شد. در محرم ۹۱ جراحی های وارده به لب و دندان مسلم و وجه شباهت آن با امام حسین علیه السلام ذکر گردید. در شب اول محرم ۹۲ یکی دیگر از شباهتها بیان شده است)

اصابت سنگ و تیر به مسلم بن عقیل:

الفتوح ابن اعثم کوفی: ج ۵ ص ۵۳ .

وَجَعَلَ يُقَاتِلُ حَتَّى أُتِخِنَ بِالْجِرَاحِ وَضَعَفَ عَنِ الْقِتَالِ، وَتَكَاثَرُوا عَلَيْهِ فَجَعَلُوا يَرْمُونَهُ بِالنَّبْلِ وَالْحِجَارَةِ، فَقَالَ مُسْلِمٌ:
وَيَلِكُمْ! مَا لَكُمْ تَرْمُونَنِي بِالْحِجَارَةِ كَمَا تُرْمَى الْكُفَّارُ، وَأَنَا مِنْ أَهْلِ بَيْتِ الْأَنْبِيَاءِ الْأَبْرَارِ؟! وَيَلِكُمْ! أَمَا تَرَ عَوْنَ حَقٍّ
رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَذُرِّيَّتِهِ؟

ترجمه: مسلم بن عقیل به نبرد، ادامه داد تا جراحی های سنگینی بر او وارد شد و از جنگیدن ناتوان شد.
جمعیت بر او یورش بردند و با تیر و سنگ بر او می زدند. مسلم گفت: وای بر شما! آیا به سویم سنگ، پرتاب
می کنید - آن گونه که به کفار، سنگ می زنند -، در حالی که من از خانواده پیامبران ابرارم؟ آیا حق پیامبر را
در باره خاندانش پاس نمی دارید؟

وجه شباهت مسلم با امام حسین:

الإرشاد شیخ مفید ج ۲ ص ۱۱۱، إعلام الوری طبرسی ج ۱ ص ۴۶۸، روضة الواعظین ابن فتنال نیشابوری، ص
:۲۰۸

وَبَقِيَ وَحْدَهُ وَقَدْ أُتِخِنَ بِالْجِرَاحِ فِي رَأْسِهِ وَبَدَنِهِ فَجَعَلَ يُضَارِبُهُمْ بِسَيْفِهِ وَهُمْ يَتَفَرَّقُونَ عَنْهُ يَمِينًا وَشِمَالًا

ترجمه: امام حسین علیه السلام از زخم های تن و سرش سنگین شده و تنها مانده بود، آنان را با شمشیر می زد
و آنها، از چپ و راست او می گریختند .

مثير الأحزان ابن نما حلی ص ۷۳ :

فَوَقَّفَ [الحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ] وَقَدْ ضَعُفَ عَنِ الْقِتَالِ، أَتَاهُ حَجْرٌ عَلَى جَبْهَتِهِ هَشَمَهَا ثُمَّ أَتَاهُ سَهْمٌ لَهُ ثَلَاثُ شُعَبٍ
مَسْمُومٌ فَوَقَعَ عَلَى قَلْبِهِ ...

ترجمه: امام حسین علیه السلام که بر اثر نبرد کم توان شده بود ایستاد. سنگی به پیشانی اش خورد و آن را شکست. سپس تیر سه شاخه مسمومی آمد و بر قلبش نشست.

زمزمه:

شاعر: مهدی سیار

خودت خواندی مرا میدانی و میدانم آقا

که عمری میشود بر سفره ات مهمانم آقا

می آیم مینشینم / کنار خیمه گاهت

به امید سلامت / به امید نگاهت

که تو بشنوی / صدای دلم / زیارتنامه ام را

که امضا کنی به رسم کرم / شهادت نامه ام را

(حسین جان حسین)

واحد: شاعر: مهدی سیار

شده آسمان خیمه غم / زمین و زمان غرق ماتم

دوباره افق، رنگ خون است / سلام ای هلال محرم

دوباره محرم رسید و / حسینه شد سینه هامان

دل اهل دل سینه زن شد / نفسهایمان مرثیه خوان

به هر خط مقتل / بیا خون بگیریم

که منزل به منزل / چو مجنون بگیریم

(یا حسین یابن الزهرا)

بخوان روضه خوان بار دیگر / بیا شرح آن ماجرا کن

بیا بغض یک ساله مان را / به یک روضه حاجت روا کن

روایت کن از دشت ماتم / بخوان خط به خط روضه هایت

ولی بگذر از خط آخر / که سر بسته ماند حکایت

بیا ای دل امشب / به پابوس این غم

بیا تا بیاریم / چو باران نم نم

(یا حسین یابن الزهرا)

دوباره شده صحن هیأت / پر از عطر نام شهیدان

دوباره بیا دم بگیریم / به یاد امام شهیدان

که ما مرد راه حسینیم / نبیند کسی ذلت ما

بمیریم و هرگز نگیریم / امان نامه دشمنان را

که میثاق ما جز / به عشق ولی نیست

که فریاد ما جز / علی یا علی نیست

(یا حسین یا بن الزهرا)

نجوا با امام زمان (عج)

بر روی چشمانم قدم بگذار یکبار	راهت نمی‌افتد به ما، انگار یکبار
سهم نگاه من از آن بسیار یکبار	دیدند خیلی‌ها تو را اما نبوده
چشم خریدار تو را ای یار یکبار	بین بساطم نیست آهی که بگیرم
پاسخ بده بر این همه تکرار یکبار	یا بن الحسن‌ها ایم جواب آیا ندارد؟
در زمره دلدادگان بشمار یکبار	این عاصی بر روی خاک افتاده را هم
خرج تو گردد جان بی‌مقدار یکبار	ناقابل است اما دعا دارم همیشه
وقت ملاقاتی از آن بیمار یکبار	ای کاش می‌شد که برای ما بگیری
او از لبش الجار ثم الدار یکبار	بد دید از همسایه‌ها اما نیفتاد
از زخم‌های آتش و مسمار یکبار	با دردها می‌ساخت اما دم نمی‌زد

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.